

نشست‌های برگزار شده در
مرکز تحقیقات میان‌رشته‌ای زبان و ادبیات
عنوان نشست: ادبیات تطبیقی: چالش‌ها و راهکارها

شناسنامه نشست	
واحد برگزارکننده نشست:	مرکز تحقیقات میان‌رشته‌ای زبان و ادبیات دانشگاه علامه طباطبائی
مسئول نشست:	دکتر عبدالله آلبوغبیش (عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی)
تاریخ برگزاری نشست:	۱۴۰۰/۰۹/۲۸
اعضای هیئت علمی:	دکتر ایلمیرا دادور (عضو هیئت علمی دانشگاه تهران)، دکتر ناهید حجازی (عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان)، دکتر تورج زینی‌وند (عضو هیئت علمی دانشگاه کرمانشاه)، دکتر علیرضا امیدبخش (عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی)
نمایندگان دستگاه‌های اجرایی مرتبط:	دکتر امیرسعید کرمی (معاون مرکز همکاری‌های علمی و بین‌المللی وزارت عتف)
مسئله محوری نشست:	چالش‌های فراروی مطالعات تطبیقی ادبیات در حوزه علوم انسانی و راهکارهای رفع آن‌ها.
سازمان‌های هدف توصیه سیاستی:	دفتر برنامه‌ریزی آموزش عالی وزارت عتف، مرکز همکاری‌های علمی و بین‌المللی وزارت عتف.

چکیده مباحث طرح شده:

در سال‌های اخیر حوزه مطالعاتی ادبیات تطبیقی به‌عنوان یکی از رویکردهای پویا در مطالعات ادبی معرفی شده است و در سطوح مختلف علمی و پژوهشی به آن توجه ویژه‌ای مبذول شده است. این عطف توجه هم در سطح آکادمیک و هم در میان محققان برون دانشگاهی رقم خورده است و در همین سیاق، برخی از دانشگاه‌های کشور اقدام به جذب دانشجو در این حوزه مطالعاتی و ایجاد و تأسیس نشریات مختلف کرده‌اند. چنین مسئله‌ای در گام بعد دو مقوله اساسی را پیش می‌کشد: دریافت و درک صحیح این حوزه مطالعاتی در قلمروهای تحقیقاتی و پژوهشی و لزوم شناخت نیاز جامعه به چنین حوزه‌ای در سطح دانشگاهی.

در مقوله اول این مسئله مطرح است که با توجه به اینکه مطالعات تطبیقی ادبیات بنیادی غیربومی دارد و مانند برخی از علوم و دانش‌ها از جغرافیاهای دیگری دریافت شده است، طبیعتاً درک و دریافت درست از این حوزه مطالعاتی و تمام ابعاد و جوانب آن (بنیان‌های تئوریک، متدولوژی‌ها و موارد دیگر) یکی از مسائل اساسی پیش روی محققان و مدرسان این حوزه مطالعاتی است.

از سوی دیگر، ورود این رویکرد مطالعاتی به ساختارهای آکادمیک این پرسش بنیادین را مطرح می‌سازد که جذب دانشجو در این تخصص (گرایش) و ایجاد نشریات و انجام تحقیقات با چه چشم‌انداز و هدفی در حال انجام است و با توجه به ساختارهای آموزشی دانشگاهی و نگرش کمی‌گرایانه در مقوله جذب دانشجو و نیز نوع نگاه و نگرش‌های سطحی و عام درباره این حوزه تخصصی و از سوی دیگر، وجود چالشی با عنوان فراهم نبودن فرصت‌های شغلی پیش روی دانش‌آموختگان این تخصص، کارکرد این حوزه مطالعاتی در حال حاضر چیست؟ با وجود این‌ها، این مسئله را هم نباید نادیده گرفت که بخشی از سنت ادبی فارسی بر سنت‌های فرهنگی و ادبی ملل دیگر تأثیر گذاشته است و شناخت این تأثیرات و معرفی علمی و مستند آن‌ها می‌تواند در تقویت جایگاه ادبی کشورمان در داخل و در خارج از کشور سهم باشد.

براین اساس، نشست موردنظر سه مقوله بنیادین را در پیش چشم دارد:

۱. سازوکارهای تبیین دقیق این رویکرد مطالعاتی در دانشگاه‌های کشور و به‌دست‌دادن راهکارهایی در این زمینه.
 ۲. به‌دست‌دادن راهکارهایی برای رفع یا کاستن از چالش‌های فراروی این تخصص در سطح آکادمیک.
 ۳. راهکارهای معرفی و شناساندن علمی و روشن تأثیرات سنت فرهنگی و ادبی کشورمان در ملل دیگر.
- عطف توجه به این سه مسئله کلان که اولی تئوریک و اندیشگانی است و دو مسئله دیگر پراگماتیک و سخت‌افزاری است می‌تواند در ترسیم تصویری روشن از آینده این تخصص در کشورمان اثرگذار و سهمیم باشد و به تصمیم‌گیران در خصوص این حوزه مطالعاتی داده‌های ارزشمندی ارائه دهد.
- استادان شرکت‌کننده در این نشست، در ابتدا چالش‌های زیر را مطرح کرده، در پایان توصیه‌هایی سیاستی در این خصوص ارائه دادند:

چالش‌ها و موانع:

- الف) مشخص نبودن جایگاه ادبیات تطبیقی در دانشگاه‌ها و این که در چه گروهی باید فعالیت داشته باشد.
- ب) اشاره به آسیب‌های موجود در حوزه ادبیات تطبیقی به شرح ذیل:
۱. تخصص نداشتن متولیان و انجمن‌های علمی مرتبط با ادبیات تطبیقی
 ۲. محدود شدن ادبیات تطبیقی به ادبیات فارسی و عربی
 ۳. نداشتن جایگاه مستقل به‌عنوان یک حوزه مطالعاتی
 ۴. نگرانی دانش‌آموختگان این حوزه درباره آینده شغلی
 ۵. غفلت از ظرفیت‌های ادبیات تطبیقی به‌عنوان ابزاری برای دیپلماسی علمی و فرهنگی
 ۶. عدم بومی‌سازی ادبیات تطبیقی و مشخص نبودن جغرافیای فرهنگی ادبیات تطبیقی
 ۷. نپرداختن به مکاتب نقد ادبی در رشته‌های زبان و ادبیات فارسی و عربی در دانشگاه‌ها

۸. عدم ارتباط و وجود شبکه حرفه‌ای بین استادان متخصص و جزیره‌ای کار کردن.

توصیه‌های سیاستی:

۱. ایجاد رشته یا میان‌رشته مستقل ادبیات تطبیقی در دو مقطع کارشناسی ارشد و دکتری: توصیه می‌شود در ابتدا رشته / میان رشته ادبیات تطبیقی در دو مقطع کارشناسی ارشد و دکتری به صورت پایلوت و تنها در یک یا دو دانشگاه معتبر دایر شود و پس از یک دوره پنج ساله ضمن سنجش و ارزشیابی نتایج حاصل از ایجاد این رشته / میان رشته، کاستی‌های آن رفع گردد و در مرحله دوم با نگاهی علمی و واقع‌بینانه با قوت بیشتری در دو دانشگاه دیگر دایر گردد. محدودسازی این تخصص به مجموعاً ۵ دانشگاه معتبر و شناخته شده در سطح کشور، ضمن ارزش بخشی به این رشته، باعث می‌شود دانش‌آموختگان آن با انگیزه بیشتری به فعالیت در سیاق سیاست‌های علمی کشور و چشم‌اندازهای تعریف شده برای این رشته فعالیت نمایند.

از سوی دیگر، توصیه می‌شود رشته ادبیات تطبیقی به صورتی کاملاً مستقل و صرف نظر از دیگر گروه‌های آموزشی ایجاد و تأسیس گردد به گونه‌ای که هیچ گروه آموزشی نتواند ادعای تصاحب این رشته را مطرح نماید. فراهم‌سازی بسترهای لازم برای ایجاد این رشته در دانشگاه‌های مختلف کشور در حال انجام است و برخی از دانشگاه‌ها در حال حاضر، دارای استادانی با رتبه استاد تمام برای ایجاد رشته یاد شده هستند.

۲. ضرورت نیازسنجی و مراعات استانداردهای بین‌المللی در سطوح مختلف ایجاد این رشته: توصیه سیاستی دیگر که در پیوند عمیق با توصیه نخست است، لزوم مراعات اصل نیازسنجی در سه سطح درون کشوری، منطقه‌ای و بین‌المللی برای دایر کردن این رشته / میان رشته و نیز ضرورت مراعات استانداردهای بین‌المللی در تدریس و تربیت دانشجویان دو مقطع کارشناسی ارشد و دکتری برای این رشته / میان رشته است. ضرورت این مسئله از آنجا ناشی می‌شود که دانش‌آموختگان این تخصص باید با این چشم‌انداز آموزش ببینند که پس از دانش‌آموختگی از طریق تدوین مقالات و کتب علمی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، از طریق شرکت در نشست‌ها و همایش‌های بین‌المللی و همچنین، از دیگر طرق علمی، بتوانند با دانشگاه‌ها و مراکز آکادمیک و محققان دیگر

کشورهای منطقه و فراتر از منطقه ارتباط بگیرند و ظرفیت‌های ادبی و فرهنگی کشورمان را معرفی نمایند. با توجه به گسترش فزاینده شبکه‌های ارتباط جمعی و اثرگذاری رسانه‌ای و فرهنگی ملت‌ها و فرهنگ‌های مختلف بر همدیگر، معرفی و تبیین ظرفیت‌ها و توانایی‌های فرهنگی، ادبی و هنری کشور به صورتی علمی و بر مبنای معیارها و استانداردهای بین‌المللی امری ضروری و بایسته به نظر می‌رسد. از سوی دیگر، در سطح درون کشوری، دانش‌آموختگان این رشته می‌توانند با سازوکارهای مناسب در بالا بردن سطح خودشناسی فرهنگی کشور سهیم باشند.

۳. **بهره‌گیری از دیپلماسی علمی مورد تأکید وزارت محترم علوم و ارتباط با شخصیت‌های علمی متخصص در این رشته در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی:** با تکیه بر ظرفیت‌های موجود در رشته ادبیات تطبیقی، به‌ویژه با توجه به ماهیت فراملی و میان‌رشته‌ای آن و در صورت فراهم‌سازی بسترهای لازم برای تربیت دانش‌آموختگان و محققانی بر مبنای معیارهای بین‌المللی، توصیه می‌شود وزارت محترم علوم فرصت‌هایی را فراهم آورد که محققان و استادان این رشته بتوانند با تکیه بر گفتمان دیپلماسی علمی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، ظرفیت‌های فرهنگی و ادبی کشورمان را به دیگر دانشگاه‌ها و نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی معرفی نمایند. تسهیل و روان‌سازی فرایندهای اداری و سازمانی مرتبط با تعاملات استادان با هم‌تایان خود در سطوح مختلف فراملی می‌تواند یکی از راهکارهای تحقق و تقویت دیپلماسی علمی از طریق این رشته بین‌المللی باشد. دانشگاه علامه طباطبائی به‌عنوان میزبان این نشست آمادگی خود را برای تعامل با نهادها و دانشگاه‌های بین‌المللی فعال در این حوزه به‌منظور حرکت در سیاق دیپلماسی علمی تعریف‌شده در چشم‌اندازهای کلان کشور اعلام می‌دارد. تعامل با کشورهای هم‌جوار و منطقه خاورمیانه در گام نخست و سپس حرکت به سوی فرهنگ‌های هم‌گرا با فرهنگ و ادبیات کشورمان می‌تواند در همین سیاق تحقق یابد. برگزاری نشست‌ها، هم‌اندیشی‌ها، سمینارها و همایش‌های فراملی و نیز تدوین کتب و مقالات مشترک علمی با هم‌تایان منطقه‌ای و بین‌المللی می‌تواند مقدمه تحقق دیپلماسی علمی در سطوح گسترده‌تر باشد.

۴. **ایجاد گرایش‌های مشترک ادبیات تطبیقی با دیگر کشورها:** یکی از رویکردهای بسیار مناسب برای تقویت دیپلماسی علمی و نیز تقویت اثرگذاری فرهنگی کشورمان در دیگر کشورها به‌ویژه کشورهای همسایه و مسلمان، ایجاد گرایش مشترک ادبیات تطبیقی با دانشگاه‌های آن کشورهاست. این موضوع به‌خصوص درباره کشورهای که مراودات فرهنگی و ادبی بسیار زیادی با کشورمان در ادوار مختلف تاریخی داشته‌اند و یا سیاست‌های کلان و راهبردی آن‌ها با سیاست‌های کشورمان همسوست، مصداق بیشتری می‌یابد و می‌تواند در عمق بخشیدن به تأثیر فرهنگی و ادبی کشورمان در میان‌مدت و درازمدت بسیار اثرگذار باشد.

برای تحقق بخشیدن به این ایده آموزشی-فرهنگی، وزارت محترم علوم می‌تواند با صدور مجوزهای لازم برای ایجاد چنین گرایش‌هایی و مصوب کردن آن‌ها در شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی، بسترهای لازم را فراهم سازد. دانشجویان این گرایش‌ها در مقطع کارشناسی ارشد به تحصیل خواهند پرداخت و پس از یک دوره پنج‌ساله و پس از سنجش و ارزشیابی نقاط قوت و ضعف این رویکرد، زمینه لازم برای ایجاد چنین گرایش‌هایی در مقطع دکتری فراهم می‌گردد. همچنین، دانش‌آموختگان چنین گرایش‌هایی فرصت‌های کاری بیشتری نسبت به دیگر دانش‌آموختگان خواهند داشت.

۵. **ایجاد واحدهای پژوهشی و علمی مشترک با دانشگاه‌های خارج از کشور:** در صورت توجه و اهتمام ویژه به ایجاد گرایش‌های مشترک ادبیات تطبیقی با کشورهای مختلف که در توصیه پیشین به آن اشاره شد، این توصیه را مطرح می‌نمایم که وزارت عتف با تکیه بر گفتمان دیپلماسی علمی و به پشتوانه حضور راینزان فرهنگی کشورمان در کشورهای مختلف دنیا، زمینه‌ای را برای ایجاد واحدهای علمی و پژوهشی مشترک در حوزه ادبیات تطبیقی با دانشگاه‌های مختلف دنیا ایجاد نماید. لازمه تحقق این پیشنهاد، بسترسازی‌های لازم از طریق معاونت‌های پژوهشی دانشگاه‌ها، راینزان فرهنگی و استادان اعزام‌شده به خارج است. معاونت‌های پژوهشی دانشگاه‌های فعال در حوزه ادبیات تطبیقی می‌توانند با همکاری استادان متخصص در حوزه ادبیات تطبیقی، دانشگاه‌های فعال در این حوزه در

سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی را شناسایی نمایند و پس از ارتباط‌گیری لازم با آن‌ها، موضوع را به وزارت عتف منعکس نمایند تا وزارت مزبور از طریق تعامل با رایزنان فرهنگی کشورمان، بسترهای اولیه لازم از قبیل دستیابی به تفاهم‌نامه‌های مشترک و سپس قراردادهای قابل اجرا را فراهم سازند. استادان اعزام‌شده به خارج از کشور هم می‌توانند در این فرایند سهمیم باشند. کارکرد و وظیفه این واحدهای پژوهشی مشترک در وهله نخست انجام پژوهش‌های علمی مشترک در حوزه ادبیات تطبیقی در سطح بین‌المللی خواهد بود. این موضوع علاوه بر معرفی و تبیین ظرفیت‌ها و ساختارهای فرهنگی و ادبی کشورمان، می‌تواند زمینه اثرگذاری فرهنگی کشورمان را در سطح بین‌المللی فراهم آورد. اثرگذاری فرهنگی از طرق علمی و دانشگاهی می‌تواند ضمن تصحیح و تعدیل پیش‌انگاشته‌ها و تصویرسازی‌های مخدوش رسانه‌ای علیه کشورمان، تصویری حقیقی از کشورمان به دیگر کشورها منعکس نماید و در کنار افکار عمومی، نخبگان و شخصیت‌های علمی و فرهنگی کشورهای مختلف جهان را با کشورمان همسو و همراه نماید.

پیشنهاد می‌شود این توصیه ابتدا در کشورهایی نظیر ارمنستان، گرجستان، عراق و سوریه اجرایی و عملیاتی گردد و پس از شناخت نقاط قوت و ضعف چنین واحدهایی، از رایزنان فرهنگی و استادان اعزام‌شده به خارج از کشور خواسته شود تا چنین ایده‌ای را در دیگر کشورها دنبال نمایند. دانشجویانی که بر مبنای معیارهای بین‌المللی مورد اشاره در بندهای پیشین دانش آموخته می‌شوند، می‌توانند در این واحدهای پژوهشی به فعالیت بپردازند. این موضوع فرصت‌های شغلی مطلوبی برای این دانش‌آموختگان فراهم می‌آورد.

۶. **تبدیل ایران به قطب ادبیات تطبیقی در سطح منطقه‌ای:** با توجه به شرایط حال حاضر منطقه خاورمیانه، قفقاز و آسیای میانه و به‌طور کلی غرب آسیا، این فرصت فراهم است تا کشورمان به قطب تحقیقات و آموزش‌های مرتبط با ادبیات تطبیقی در سطح منطقه‌ای تبدیل گردد. در حال حاضر، تنها یک یا دو کشور در منطقه خاورمیانه، این تخصص را به‌صورت حرفه‌ای دنبال می‌کنند اما فعالیت‌هایی بین‌المللی و منطقه‌ای در این زمینه

ندارند؛ بنابراین، توصیه می‌کنیم وزارت علوم از طریق تعامل مثبت با پیشنهادها و توصیه‌های مطرح‌شده در بندهای پیشین، دانشگاه‌ها را در تبدیل کشور به قطب تحقیقات و آموزش‌های ادبیات تطبیقی در غرب آسیا یاری دهد. این توصیه بر مبنای یک برنامه مدون و منسجم علمی و فراگیر در سطح وزارتی قابل تحقق است. دعوت از متخصصان رشته ادبیات تطبیقی در کشور و برگزاری نشست‌ها و هم‌اندیشی‌های چندمرحله‌ای، این توصیه را به تدریج محقق و عملی خواهد ساخت.

۷. **ضرورت آشنایی استادان اعزامی به خارج از کشور با ادبیات تطبیقی:** هرچند یکی از اصلی‌ترین وظایف یک استاد اعزامی به خارج از کشور، آموزش زبان فارسی به دانشجویان کشورهای مقصد است اما نباید از نظر دور داشت که آموزش زبان بدون معرفی فرهنگ و ادبیات یک کشور میسر نیست و خواه‌ناخواه استادان اعزامی به معرفی جوانب مختلفی از فرهنگ و ادبیات کشور می‌پردازند. در صورتی که این فرایند از طریق مقایسه ادبیات کشورمان با ادبیات کشور مقصد همراه شود اثرگذاری و علاقه‌مندسازی دانشجویان و استادان کشور مقصد به فرهنگ و ادبیات کشورمان بسیار افزون‌تر خواهد بود. بر همین اساس، مؤکداً توصیه می‌شود وزارت محترم علوم رویکردها و سیاست‌هایی اتخاذ نماید که بر مبنای آن‌ها، استادان اعزام‌شده به خارج علاوه بر وقوف و اشراف به ادبیات کلاسیک و مدرن فارسی، با چارچوب‌های کلان رشته ادبیات تطبیقی آشنایی یابند و درعین حال، آشنایی لازم را با فرهنگ و ادبیات کشور مقصد کسب نمایند تا بتوانند به گونه‌ای علمی و متقن و بر پایه دیدگاه‌های علمی موجود در رشته ادبیات تطبیقی، به معرفی و آموزش فرهنگ و ادبیات کشورمان بپردازند و از سوی دیگر، بتوانند با استادان آن دانشگاه وارد مباحثات علمی شوند.

سازوکار انجام و تحقق این توصیه در وزارت علوم از طریق گفت‌وگو با استادان اعزامی و آگاهی از سوابق مطالعاتی و تدریس و پژوهش‌های آنان امکان‌پذیر است. اعلام و ابلاغ این موضوع به دانشگاه‌ها و سپس الزام آن‌ها به صورتی تدریجی به ملحوظ داشتن این

موضوع در تعیین و معرفی استادان اعزامی به خارج از کشور می‌تواند سازوکار مناسبی برای تحقق این هدف باشد.

۸. ایجاد درس «درآمدی بر ادبیات تطبیقی» در دو مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در

رشته‌هایی که با ادبیات سروکار دارند: به تصمیم‌گیران محترم وزارت می‌تواند این توصیه را داریم که دست کم دو واحد درس اختیاری «درآمدی بر ادبیات تطبیقی» یا «آشنایی با ادبیات تطبیقی» در دو سطح کارشناسی و کارشناسی ارشد برای رشته‌هایی که با ادبیات سروکار دارند، در نظر گیرند. برای نمونه، ایجاد این درس در مقطع کارشناسی در رشته‌هایی نظیر ادبیات انگلیسی، عربی، روسی، فرانسوی، آلمانی، ترکی و دیگر رشته‌ها، ضمن علاقه‌مند کردن دانشجویان به ادامه تحصیل در این تخصص در مقاطع بالاتر، می‌تواند میزان نفوذ فرهنگی و ادبی کشورمان در دیگر کشورها و فرهنگ را نیز به دانشجویان نشان دهد. از این طریق، دانشجویی که در رشته‌ای نظیر ادبیات انگلیسی یا فرانسوی و آلمانی دانش آموخته می‌شود، علاوه بر آنکه فرهنگ زبان مورد تحصیل را دریافت می‌کند، از نفوذ و تأثیر فرهنگی کشورمان در آن زبان‌ها و فرهنگ‌ها هم مطلع خواهد شد و درخواهد یافت که فرهنگ و ادبیات کشورمان در آن فرهنگ و زبان‌ها نیز اثرگذار بوده است. این موضوع در درازمدت هرگونه حالت انفعال فرهنگی را از چنین رشته‌هایی خواهد زدود. از سوی دیگر، ایجاد چنین درسی در رشته‌های یاد شده می‌تواند در تثبیت و قوام‌یافتگی ادبیات تطبیقی در کشورمان نقش مطلوبی ایفا نماید.

در حال حاضر این درس صرفاً در سرفصل‌های دروس اختیاری رشته زبان و ادبیات فارسی قرار گرفته است اما انتظار می‌رود در سرفصل‌های رشته‌هایی نظیر ادبیات عربی، ادبیات انگلیسی، ادبیات فرانسه و بقیه رشته‌های مشابه نیز قرار گیرد.

۹. ضرورت برگزاری جلسات وزارت علوم با استادان متخصص این رشته: یکی دیگر از

توصیه‌های سیاستی این نشست، تأکید بر ضرورت برگزاری جلسات منظم و پیوسته مسئولان محترم وزارت علوم به‌ویژه شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی و مرکز همکاری‌های علمی و بین‌المللی وزارت عتف با استادان متخصص در رشته ادبیات

تطبیقی است. انجام و تحقق این پیشنهاد در میان مدت می‌تواند زمینه مناسبی برای اطلاع مسئولان محترم وزارتی از فرایندها و جریان‌های حاکم در فضای ادبیات تطبیقی کشورمان فراهم آورد و اتخاذ هرگونه تصمیم در این رابطه، با علم و آگاهی بیشتری رقم خواهد خورد. این جلسات و نشست‌ها می‌توانند در قالب خوشه‌های مشورتی و در بازه‌های زمانی مختلف برگزار شود تا علاوه بر ارزشیابی دقیق و روشن درباره توانایی‌ها و ظرفیت‌های آموزشی و مطالعاتی و تعاملاتی این رشته، چالش‌ها، موانع و راهکارهای موجود نیز شناخته شود. نبود کانال ارتباطی مشخص و قوی میان استادان این تخصص و تصمیم‌گیران وزارتی به جز در برخی سال‌ها باعث شده است تا دید دقیق و روشنی درباره این تخصص در وزارتخانه یا دانشگاه‌ها حاصل نشود.

۱۰. تمرکز بر چهار حوزه آموزش، پژوهش، ساختارسازی و اهداف برای توسعه ادبیات تطبیقی: یکی از جوانب حائز اهمیت در پیشبرد اهداف و استراتژی‌های پیش گفته، ضرورت تغییر نگاه و دریافت کلیشه‌ای و نادرست از مفاهیم و کارکردهای ادبیات تطبیقی است. در فضای کنونی دانشگاهی کشور این نگاه کلیشه‌ای و نادرست از ادبیات تطبیقی وجود دارد که این رشته به علت ماهیت غیربومی، نمی‌تواند در خدمت به اهداف و سیاست‌های راهبردی کشور قرار گیرد. درحالی‌که با توجه به سرشت فراملی و بین‌المللی ادبیات تطبیقی، رشته مزبور می‌تواند یکی از ابزارهای بسیار مفید و کارگشا در تعاملات ادبی و فرهنگی کشورمان با دیگر ملل دنیا باشد و اهداف و راهبردهای کشورمان را به پیش راند. بر همین اساس، بر ضرورت تغییر این نگاه کلیشه‌ای در سطوح مختلف علمی و اجرایی تأکید داریم. سازوکار تغییر این نگاه و نگرش نیز در آموزش‌های روشمند و صحیح آکادمیک، انجام پژوهش‌های هدفمند و ایجاد ساختارهای مناسب تبلور می‌یابد. بر همین مبنا، تأکید بر این داریم که این رشته در دانشگاه‌های مختلف به عرصه‌ای برای اخذ دروس بیشتر برای استادانی که تخصصی در این زمینه ندارند تبدیل نشود و درعین حال، دانشگاه‌هایی که فاقد استادان متخصص در این رشته هستند، این رشته/ میان رشته را تا زمان فراهم شدن تمام زمینه‌های لازم آن، با وزارت عتف مطرح ننمایند. کما اینکه،

نشریات معتبر وابسته به وزارت علوم با درنگ و دقت بیشتری، پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه را ارزیابی نمایند تا در سطح تحقیقاتی و پژوهشی نیز این رشته در کشور دچار چالش‌های افزون‌تر نگردد.

۱۱. لزوم ایجاد شبکه‌ای داخلی بین استادان متخصص در حوزه ادبیات تطبیقی: به منظور تحقق این ایده، شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی می‌تواند با تعیین یک دانشگاه به طور خاص، مسئولیت شبکه‌سازی داخلی را به آن محول نماید تا فرصت ایجاد رشته یا میان رشته مستقل ادبیات تطبیقی در مراحل بعدی محقق و عملی گردد. دانشگاه علامه طباطبائی با تکیه بر توانایی‌ها و سوابق علمی و آموزشی خود در حوزه ادبیات تطبیقی، آمادگی انجام این امر را دارد.